

## تنوع سازی تحقیقات مالی: از مالی سازی بسوی پایداری

جمال طاوسی<sup>۱</sup>، عبدالعلی کشته گر<sup>۲\*</sup>، امین رضا کمالیان<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری مدیریت، دانشگاه سیستان و بلوچستان، گروه مدیریت دولتی، زاهدان، ایران  
<sup>۲</sup> استادیار گروه مدیریت، دانشگاه سیستان و بلوچستان، گروه مدیریت دولتی، زاهدان، ایران (عهده‌دار مکاتبات)  
<sup>۳</sup> دانشیار گروه مدیریت، دانشگاه سیستان و بلوچستان، گروه مدیریت دولتی، زاهدان، ایران  
تاریخ دریافت: اردیبهشت ۹۶، اصلاحیه: خرداد ۱۳۹۶، پذیرش: مرداد ۱۳۹۶

### چکیده

این مقاله قصد دارد تناقضات ظاهری را جهت پایدار سازی ساختار گفتمان سنتی، در حوزه مالی بررسی نموده و با ارائه یک طرح راهبردی برای تنوع بخشی به مالی آکادمیک، بر آنها غلبه نماید، این مطالعه از چهار بخش تشکیل شده است. در ابتدا مالی آکادمیک در طیف گسترده علوم اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته و بر فرضیه‌های هستی شناختی، شناخت شناسی و روش شناسی تأکید شده است. در گام دوم، این مفروضات از طریق مباحثه‌های مربوط به پوزیتیویسم منطقی، هستی شناسی اجتماعی و کارکردگرایی که محدودیت‌های وحدت پارادایمی را در مالی آکادمیک به ارمغان می‌آورد تشریح شدند و نشان داده شد که این مفروضات نه تنها در زمینه مالی بلکه در رشته‌های دیگر نیز می‌توانند موضوع مباحثه قرار گیرند. در گام سوم، تنوع بخشی در مالی آکادمیک با رجوع به ساختار هستی شناختی تثبیت شده در گفتمان علمی مشخص شده است. استدلال این مطالعه بر این است که تنوع بخشی، فرآیندی است که از طریق آن، (i) تحقیقات مالی به سایر پارادایم‌های موجود در علوم اجتماعی بسط داده می‌شوند؛ (ii) استعاره‌های تحقیقی جدید درون پارادایم موجود تدوین می‌شوند؛ و (iii) قدرت حل مساله حاصل می‌شود. در گام چهارم، یک برنامه تحقیقاتی برای تنوع بخشی به مالی آکادمیک نیز ارائه شده است. این برنامه به موضوعات، فرضیات پارادایمی و سوالات تحقیق تقسیم بندی شده است.

**کلمات کلیدی:** مالی آکادمیک؛ شناخت شناسی؛ پایداری؛ تنوع بخشی

### ۱-مقدمه

بحران‌های اجتماعی و اکولوژیکی در اقتصاد فعلی، بررسی مجدد نظریه‌های مدیریت و به ویژه تئوری‌های مالی را اجتناب ناپذیر ساخته است [۲۰]. این در حالی است که در نتیجه‌ی وحدت پارادایمی، مالی آکادمیک اغلب تا حد زیادی به رویکردی مجزا محدود شده است. با در نظر گرفتن چنین تناقضاتی، این مطالعه، یک استراتژی را برای تنوع بخشی به مالی آکادمیک مطرح می‌کند که از چهار بخش تشکیل شده است.

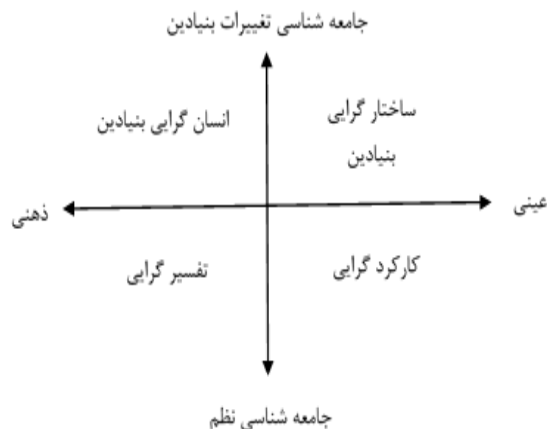
در ابتدا، مالی آکادمیک در طیف گسترده علوم اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته و بر فرضیه‌های هستی شناسی، شناخت شناسی و روش شناسی آن تأکید شده است. در گام دوم، این مطالعه نشان می‌دهد این فرضیه‌ها که در حیطه مالی وجود دارند، بی طرف نیستند و غالباً خارج از حوزه مالی، مساله ساز هستند، این موضوع از طریق مباحثه‌های مربوط به پوزیتیویسم منطقی، هستی شناسی اجتماعی و کارکردگرایی نشان داده شده است. این مشاهدات، پایه انتقادی این مطالعه را از وضعیت حوزه مالی نشان می‌دهند. در گام سوم، تنوع بخشی در مالی آکادمیک با رجوع به ساختار هستی شناختی تثبیت شده در گفتمان

علمی مشخص شده است. استدلال این مطالعه بر این است که تنوع بخشی، فرآیندی است که از طریق آن، (i) تحقیقات مالی به سایر پارادایم‌های موجود در علوم اجتماعی بسط داده می‌شوند؛ (ii) استعاره‌های تحقیقی جدید درون پارادایم موجود تدوین می‌شوند؛ و (iii) قدرت حل مساله حاصل می‌شود. در گام چهارم، مجموعه‌ای از موضوعات تحقیقی نوید بخش برای تنوع بخشی آتی به مالی آکادمیک مشخص شده است. با در نظر گرفتن پتانسیل‌های بالقوه تعارضات بین مالی سازی<sup>۱</sup> و پایداری، هدف کلی این مطالعه کمک به بهبود تحقیقات مالی می‌باشد. از اینرو با توجه به ساختارها موجود، این مطالعه به بررسی ابعاد خرد و کلان هنجاری تحقیقات مالی می‌پردازد که اخیراً جذابیت‌های زیادی را نیز برای محققان مالی ایجاد نموده است. در

۱- مالی سازی به عنوان افزایش سلطه بازیگران مالی، بازارها، شیوه‌ها، شاخص‌ها و گزارشات در مقیاس‌های مختلف و در نتیجه تحول ساختاری اقتصاد، شرکت‌ها (مانند موسسات مالی)، دولت‌ها و سهامداران تعریف شده است (آلبرز و همکاران، ۲۰۱۵).

\*abdolalikeshtegar@gmail.com

پذیرش فرضیه‌ی انتخابی اصلی اش را داشته باشد [۱۰].



شکل (۱): پارادایم‌های علوم اجتماعی  
منبع: برل و مورگان؛ ۱۹۷۹

## ۲-۲ انسجام پارادایمی در مالی آکادمیک

در این بخش، استدلال بر این است که تحقیقات مالی آکادمیک منحصراً به پارادایم کارکردگرایی پوزیتیویستی تعلق دارند. در واقع، مالی آکادمیک ریشه در هستی‌شناسی عینیت‌گرا دارد: دنیای مالی، درست مانند دنیای طبیعی از ماهیت‌های ثابت و ملموس (به عنوان مثال، بازارهای مالی، موسسات مالی، پول و ...) تشکیل شده است که برای ناظر، بیرونی و قابل مشاهده هستند. تحقیقات مالی، موسسات مالی (بانک‌ها، پول، بازارها) و رفتارهای مالی (بهینه‌سازی ریسک-بازده) را مستقل از تصورات فردی یا جمعی که دنیای اجتماعی وجود دارند، در نظر می‌گیرد.

این هستی‌شناسی عینیت‌گرا مرتبط با تعریف اثبات‌گرایی از دانش است. تحقیقات مالی آکادمیک درصدد شناسایی قواعد و مکانیسم‌های علیتی و نظم هستند که ماهیت‌های مختلف حیطة مالی را با استفاده از روش‌شناسی‌ها و پروتکل‌های بدست آمده از علوم طبیعی<sup>۱</sup> متحد سازند. از اینرو هدف از این مطالعه (به عنوان مثال، بازار سهام) بررسی یک واقعیت بیرونی است که می‌تواند توسط مجموعه‌ای از قواعد معین و از طریق تحلیل‌های علیت آماری (به عنوان مثال، تأثیر اخبارهای اقتصاد کلان بر بازده مورد انتظار سهامداران) مشخص شود.

۱- به عنوان مثال، اکنون فیزیک یا فیزیو اقتصاد یکی از شاخه‌های رشته فیزیک است که به ارتباط میان فیزیک و اقتصاد می‌پردازد. به طوری که تحقیقات و نظریات فیزیک را به کار می‌برد تا به راه‌حلی برای بازارهای مالی و مشکلات اقتصادی دست یابد. از نظریاتی که تاکنون مورد استفاده قرار گرفته می‌توان به نظریه آشوب و فرایندهای تصادفی و آماری نام برد. خاستگاه این رشته به دوره دانشمندان علوم اجتماعی همچون دانیل برنولی و جوسایا ویلارد گیس باز می‌گردد.

نهایت، برای هر کدام از این موضوعات، زمینه‌ها و فرضیه‌های تحقیق توصیف و چندین سوال تحقیقی مرتبط نیز مطرح شده‌اند.

## ۲- موقیعت رشته مالی در علوم اجتماعی

### ۱-۲ پارادایم‌ها در علوم اجتماعی

ماتریس پارادایمی اکتشافی بارل و مورگان (۱۹۷۹)، شبکه‌ی تفسیر مفیدی برای علوم اجتماعی ارائه می‌دهد که می‌تواند برای تحلیل حوزه مالی پذیرفته شود [۹]، [۲۴]. این ماتریس، تحقیقات را با توجه به فرضیه‌های انتخاب شده در رابطه با ماهیت علم و ماهیت جامعه طبقه بندی می‌کند. همان‌طور که در شکل ۱ نشان داده شده است، فرضیه‌ها با توجه به ماهیت علم می‌توانند بر اساس بعد ذهنی - عینی مرتبه بندی شوند. این موارد به فرضیه‌های مربوط به هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی، ماهیت انسان و روش‌شناسی اشاره دارند [۶]:

- فرضیه‌های هستی‌شناسی ماهیت پدیده‌های مورد مطالعه را بررسی می‌کنند: آیا پدیده برای فرد عینی و بیرونی است یا ذهنی و درونی است؟
- فرضیه‌های شناخت‌شناسی به ماهیت دانش می‌پردازند: آیا دانش یک واقعیت بیرونی است که باید بدست آید یا مفهوم نسبی است که در ابتدا و در وهله اول به تجربه‌ی شخصی مربوط است؟
- فرضیات انسان‌شناسی به بررسی ارتباط بین انسان و محیط اطراف وی می‌پردازد: آیا انسان محصول محیط است یا خالق آن؟
- فرضیه‌های مربوط به روش‌شناسی به رویه‌های تحقیق علمی مرتبط هستند: آیا محققان درصدد افشای مکانیسم‌های جهانی هستند یا به دنبال شیوه‌هایی هستند که در آن انسان‌ها دنیای اجتماعی را در وضعیتی مشخص ایجاد، اصلاح و تفسیر می‌کنند.
- فرضیات با توجه به ماهیت جامعه نیز می‌توانند بر اساس دو دیدگاه متناقض در مورد فرآیندهای اجتماعی نشان داده شوند:
- دیدگاه نظم، انسجام و وحدت جامعه را در نظر می‌گیرد و درصدد است توضیح دهد که چرا جامعه‌ی مشخص گرایش دارد سالم و دست نخورده بماند نسبت به اینکه بصورت اجزای مختلف از هم پاشیده شود.
- دیدگاه تغییر بنیادین، جامعه را بر مبنای فرضیات تناقض‌های ساختاری و حالت سلطه تحلیل می‌کند و درصدد تدوین راهکارهای جایگزین نسبت به پذیرش وضعیت موجود است.

همان‌طور که در شکل ۱ نشان داده شده است، ارتباط متقابل این ۴ فرضیه، پارادایم را در علوم اجتماعی ایجاد می‌کند که عبارتند از پارادایم‌های کارکردگرایی، تفسیرگرایی، انسان‌گرایی بنیادین و ساختارگرایی بنیادین [۴].

با توجه به اینکه تمام این ۴ رویکرد به انتخاب‌های فلسفی بستگی دارند، غیرممکن است که بتوان اولویت مشخصی را بدون تکیه بر یک جهان بینی موقتی خاص نشان داد. در نتیجه، این ماتریس نشان می‌دهد که قلمرو مالی از زوایای بسیار مختلفی بررسی می‌شود: یک نظریه‌ی مشخص فقط زمانی معتبر در نظر گرفته می‌شود که شخص تمایل به

محدوده‌ی متافیزیکی تعلق دارند و به معنای دقیق کلمه، نمی‌توانند موضوع تحقیقات عقلانی باشند.

هدف از علم، آزمون فرضیه با استفاده از تجربه است. در نتیجه دانشمندان و به ویژه محققان مالی باید ملاحظات اخلاقی را کنار بگذارند. این استدلال به این عقیده انسان که قضاوت‌های درست می‌توانند قضاوتی تحلیلی (تکرار مکررات منطقی مانند استنباط‌های ریاضی) یا قضاوتی ساختگی (مانند ادعاهای قابل ملاحظه که از طریق آزمایش تجربی اثبات شده‌اند) باشند بستگی دارد. قضاوت‌های ارزشی، با این طبقه بندی متناسب نیستند: آنها تحلیلی نیستند و همچنین نمی‌توانند به طور تجربی آزمایش شوند (حقوق، وظایف و تعهدات نمی‌توانند از "بررسی چستی" بدست آیند). بنابراین، دوگانگی تحلیلی-ساختگی ممکن است منجر به حذف قضاوت‌های ارزشی از قضاوت‌های واقعی شوند. این چشم انداز توضیح می‌دهد که چرا بسیاری از محققان مالی در تحقیقات شان اصرار بر تلفیق ارزش‌ها دارند. با توجه با اینکه اخلاقیات و ارزشها با برنامه‌های پژوهشی پوزیتیویستی ناسازگارند، آنها معتقدند که این تغییرات ماهیت علمی کارشان را خراب می‌کند و وضعیت مالی آکادمیک را ضعیف خواهند کرد [۲۸].

با این حال دوگانگی تحلیلی-ساختگی دانش از سال ۱۹۵۰ میلادی مورد نقد قرار گرفته است. به طور کلی، این ایده که "واقعیت‌ها" و "ارزش‌ها"، محدوده‌های جداگانه‌ای بوجود نمی‌آورند اما در هم تنیده شده‌اند و در حال حاضر به اجماع رسیده‌اند. به ویژه، [۲۷] به دو انتقاد اصلی در مورد دوگانگی واقعیت - ارزش<sup>۴</sup> می‌پردازد:

- نخست، نظریه‌های علمی بر مبنای عبارات نظری غیرقابل مشاهده (مانند اتم‌ها، میدانی‌های گرانشی، سرمایه گذاران مرجع) می‌باشند. بر اساس پارادایم اثبات گرایی، استفاده از این عبارات در صورتی قابل قبول است که به تدوین نظریه و پیش بینی‌های قابل مشاهده که می‌توانند آزمایش شوند، منجر شود: نظریه، به عنوان یک کل تفکیک ناپذیر از طریق تجربیات آزمایش می‌شود [۱۶]. ولی اگر دانش واقعیت‌ها شامل تئوری‌های غیر قابل مشاهده باشد، در این صورت باید در بر گیرنده ارزش‌ها نیز باشد.

در نتیجه، ادعا در مورد دانش واقعی به اصولی تکیه دارد که به خودی خود هنجاری هستند. پوتنام به این اصول به عنوان ارزش‌های شناختی اشاره می‌کند. این چنین ارزش‌هایی به "توصیف درستی و چگونگی واقعیت جهان" می‌پردازند و شامل انسجام، سهولت، حفظ آموزه‌های گذشته و مواردی مانند این می‌باشد. در نتیجه قضاوت در مورد واقعیت‌ها نمی‌تواند عاری از ارزش باشد [۳].

- دوم اینکه، دوگانگی واقعیت - ارزش به تعریف خیلی محدود کننده‌ای از واقعیت‌ها بستگی دارد. به طور کلی، این دوگانگی فرض می‌گیرد که مولفه‌های توصیف و ارزیابی کننده زبان، مجزا هستند. با این حال، این اظهارات با هدف توصیف واقعیت، اغلب بر مجموعه اولیه از دانش و باورها درباره چشم انداز جهان، خوبی‌ها و ارزشها تکیه دارد. پوتنام استدلال می‌آورد که چطور توصیف و ارزیابی از طریق معرفی

این فرضیه‌ها، منجر به بازنمایی فعالیت‌های انسانی می‌شود. در نتیجه، آنها به طور ضمنی شامل یک فرضیه‌ی اضافی در رابطه با ماهیت انسان می‌شوند: فرض می‌شود که تعاملات مالی در واقع مکانیسم‌های علیت را از طریق تحقیقات تجربی نشان می‌دهند (به عنوان مثال، از طریق تحلیل اقتصادسنجی). در نتیجه فرض می‌شود که قلمرو مالی به مجموعه مولفه‌هایی کاهش می‌یابد که نمی‌توانند تفکیک شوند و فقط می‌توانند از طریق عملیات‌های معکوس بازسازی شوند. برای مثال، دیدگاه نئوکلاسیک، بازار سرمایه را به صورت توده ای پایدار از سرمایه گذاران فردی نشان می‌دهد و به دو فرضیه‌ی اصلی تأکید دارد: (i) عقلایی بودن سرمایه‌گذاران فردی و (ii) تعادلی که فرض می‌گیرد ترکیب تصمیم‌گیری در مورد عوامل اقتصادی، وضعیت ثابتی ایجاد می‌کند. در این چارچوب، یک تغییر ناگهانی برون زا (به عنوان مثال، کاهش نرخ بهره) رفتار افراد را اصلاح می‌کند و تعادل پایدار جدیدی (به عنوان مثال، افزایش قیمت داراییها) ارائه می‌دهد. این فردگرایی روش شناختی دلالت بر یک فرضیه‌ی ضمنی در رابطه با ماهیت جامعه دارد. با فرض اینکه روابط متقابل بین افراد، سیستم پایداری را ایجاد می‌کند، تجزیه و تحلیل‌هایی که در جامعه شناسی نظم و تعارض، حالت‌های سلطه و کنترل، مصادره اموال، یا تناقض‌های ساختاری ریشه دارند، عملاً از مطالعه حذف می‌شوند.<sup>۱</sup>

بنابراین با توجه به توضیح و پیش بینی واقعیت‌های مالی از طریق کشف روابط جهانی که متحد کننده عرضه و تقاضای سرمایه هستند، تحقیقات مالی درصدد ارائه دانشی انتزاعی، جهانشمول (عاری از ارزش)، و یکنواخت می‌باشند. در این راستا مالی آکادمیک یکی از بهترین مثال‌های پارادایم کارکردگرایی در علوم اجتماعی است.

### ۳- چرا نیاز است که یک پارادایم مالی به وجود آید

#### ۳-۱ ماهیت دردرساز واقعیت‌ها و ارزش‌ها

بر اساس یک نظر سنجی که در سال ۲۰۱۰ توسط انجمن اقتصادی داووس<sup>۲</sup> انجام گرفت، ۶۸ درصد از افراد موافق بودند که بحران مالی در واقع "بحران اصول اخلاقی و ارزش‌ها" نیز می‌باشد.<sup>۳</sup> با این حال، استفاده از این عبارات در مالی آکادمیک مشکل ساز است. در واقع، اثبات گرایی، دوگانگی بین "واقعیت‌ها" و "ارزش‌ها" را ایجاد می‌کند؛ "حقایق"، ملموس، قابل ارزیابی و قابل تأیید هستند، در حالی که "ارزش‌ها" به

۱ - با این حال، روش شناسی فردگرا، تجزیه و تحلیل‌ها را به مسائل اقتصاد خرد محدود نمی‌کند. به عنوان مثال، استیگلیتز و ویس (۱۹۸۱) نشان دادند که سهمیه بندی اعتباری اقتصاد کلان ناشی از واکنش عقلانی وام دهندگان به عدم تقارن اطلاعات می‌باشد: فرض دهندگان نرخ های سود را تا زیر سطح تعادل بازار پائین می‌آورند به طوری که ریسک قصور در پرداخت را به حداقل برسانند. این به نوبه خود، تقاضا را برای اعتبار و ایجاد سهمیه بندی اعتباری اقتصاد کلان افزایش می‌دهد.

2- Davos World Economic Forum

۳ - در حقیقت از ادبیات مدیریت چنین می‌توان استدلال نمود که تغییر فرهنگی عمیق در سال های قبل از بحران یک منبع از آسیب پذیری بود (استین، ۲۰۱۱).

4- Fact – value dichotomy

فعالیت انسانی است: دانشمندان نمی‌توانند دانش عینی و واقعی را ارائه دهند، بلکه این تفاسیر هستند که منعکس کننده ماهیت مختلف و پراکنده واقعیت می‌باشند. سوال مربوط به این نیست که آیا اظهارات علمی خاص معتبرند، بلکه درک این است که چگونه در بازنمایی‌های سیاسی ضمنی گنجانده می‌شوند [۱]. یکی از اساسی‌ترین مضامین می‌تواند پست مدرن، حول "واقعیت" یا "فقدان واقعیت" یا "چندگانگی واقعیت" می‌چرخد. "هیچ انگاری" مفهومی نیچیه ای است که با معنای سیال و بی ثبات از واقعیت رابطه‌ی تنگاتنگی دارد. شعار "مرگ خدا"ی نیچیه به این معنی است که دیگر نمی‌توانیم به هیچ چیز یقین داشته باشیم. اخلاق دروغ است و حقیقت افسانه. با این حال، نقطه ضعف اصلی پست مدرنیسم این است که می‌تواند به نسبت گرای منجر شود: اگر تمام دیدگاه‌ها برابر باشند، به نظر می‌رسد که تحقیق علمی بی فایده باشد.

واقعیت‌گرایی انتقادی<sup>۲</sup>، که در ابتدا توسط باسکار (۱۹۷۸) گسترش یافت، راه حل بینابینی بین اثبات‌گرایی و پست مدرنیسم ارائه می‌دهد. در این دیدگاه، واقعیت اجتماعی مستقل از ناظر وجود ندارد؛ ولی ادراکات فردی متفاوتی از حقیقت وجود دارد که تحت تاثیر عوامل تاریخی، اجتماعی و ... قرار می‌گیرد. از این رو واقع‌گرایی انتقادی، تمایز هستی‌شناسانه ای را بین دانش و واقعیت ایجاد می‌کند (به عنوان مثال، تمایز بین قوانین علمی و الگوی واقعی رویدادها). استدلال باسکار این است که واقعیت از ۳ گسترده‌ی تلفیقی تشکیل شده است [۳]:

- "مدل‌های تجربی" که به موارد قابل مشاهده اشاره دارد و شامل داده‌ها و حقایق بکار رفته در پرسش‌های علمی هستند.
- "حقیقت" که شامل رویدادهای قابل درک و غیرقابل درکی است که از طریق مکانیسم‌های علیت واقعی ایجاد شده اند.
- "واقعیت" که شامل مکانیسم‌های علی و ساختارهایی است که مورد اصلی را ایجاد می‌کنند.

دامنه تجربی، زیر مجموعه دامنه‌ی اصلی است که آن نیز به نوبه خود زیرمجموعه‌ی دامنه واقعی است. دانشمندی که این هستی‌شناسی اجتماعی را تأیید کرده اند، به سطحی بودن تحقیقات پوزیتیویستی نیز اشاره داشته اند: قوانین استنباطی از مشاهده واقعیت‌ها ("مدل تجربی") و نادیده گرفتن سطوح عمیق تر ("حقیقی" و "واقعی") به ادعاهای ناقص و نادرست منجر می‌شود. استدلال آنها این است که دانشمندان علوم اجتماعی درصدد کشف مکانیسم‌های نهان و ساختارهایی هستند که بر موسسات، اقدامات و نقش‌ها حاکمیت دارند [۲].

مفاهیم ضمنی پست مدرنیسم و واقع‌گرایی انتقادی برای درک ما از مالی آکادمیک چه چیزهایی هستند؟ استدلال دیدگاه پست مدرن این است که زندگی اجتماعی - سیاسی مدرن بر تقدم علم بر سایر اشکال تفکر استوار است. بنابراین، ممکن است سلطه گفتمان علمی بر سایر گفتمان‌ها به پیشرفت یک گفتمان ایدئولوژیکی منجر می‌شود: یک گروه اجتماعی که ارزش‌هایش را در تولید دانش در علوم اجتماعی مدیریت می‌کند، می‌تواند به سلطه اجتماعی اش مشروعیت ببخشد [۶]. از این

"مفاهیم اخلاقی غلیظ"<sup>۱</sup> در هم تلفیق شده اند. برای مثال، اگر بگوئیم مردی که بچه ای را کتک می‌زند، "سنگدل" است، به طور همزمان حقیقتی را توصیف کرده (استفاده از خشونت در مقابل فرد ضعیف تر) و قضاوت اخلاقی را بیان نموده ایم ("سنگدلی" خود دلالت بر این دارد که ما این عمل را محکوم می‌کنیم). پس می‌توان نتیجه گرفت که هیچ راه عاری از ارزش جدا سازی جنبه‌های ارزشی و توصیفی گفتمان وجود ندارد.

اگر شخصی بپذیرد که ارزیابی واقعیت‌ها، ارزش‌های شناختی را پیش فرض می‌گیرد و اینکه واقعیت‌ها و ارزش‌ها در زبان تعبیه شده اند، می‌توان نتیجه گرفت که سوالات تحقیق در مالی، تنها به بررسی واقعیت‌ها نمی‌پردازند بلکه حاوی قضاوت‌های ضمنی ارزشی نیز می‌باشند [۲]. به عنوان مثال، مفاهیم مربوط به مالی استاندارد (مانند صرف ریسک، آلفا، ارزش افزوده اقتصادی، عملکرد و ...) واقعیت‌های مالی را به صورت بی طرفانه نشان نمی‌دهد. این کلمات مقوله‌های مشخص تفکر را نشان می‌دهند که شاید بتوانند در یک قضاوت اخلاقی خلاصه شوند: سهامداران بر سایر ذینفعان شرکت اولویت دارند - مفهوم "ارزش در نظر سهامدار" در مقایسه با سایر سرمایه گذاری‌ها، به بازده‌های پولی محدود می‌شود. در نتیجه، این نگرش فکری مشتمل بر کنار گذاشتن ملاحظات اخلاقی و مرتبط با ارزش به نظر می‌رسد که فارغ از مساله مقاوم بودن، مورد توجه قرار نمی‌گیرد چرا که مالی آکادمیک، ابعاد اخلاقی، فلسفی و حتی ایدئولوژیکی دارد.

### ۳-۲ بحث در مورد هستی‌شناسی اجتماعی

هستی‌شناسی پوزیتیویستی مالی آکادمیک، مرز مشخصی بین واقعیت و ناظر را در نظر می‌گیرد. در این چارچوب، هدف دانشمندان علوم اجتماعی، استفاده از روش‌های دقیق برای افشای مکانیسم‌های علی تنظیم کننده قلمروهای اجتماعی است. اگرچه این دیدگاه در چند دهه گذشته در معرض انتقاد بیشتری قرار گرفته است، این کار اجازه می‌دهد یک دانش جهانشمول در گذر زمان و در چرخه‌ی نظریه پردازی، آزمایش و ابطال فرضیه جمع آوری گردد.

نویسندگان پست مدرن مانند ریچارد رورتی یا جین - فرانکوئیس لیوتارد، از پروژه‌های نظری (بی طرفی، عینیت و عقلانیت) علوم مدرن انتقاد کرده اند. آنها نشان داده اند که تولید دانش علمی به هنجارها؛ ابزارها و ساختارهایی مانند پیشینه‌های فرهنگی، چارچوب‌های زبانی، روش‌شناسی‌ها، هنجارهای رفتاری و ... بستگی دارند. در نتیجه دانش، محصول تعاملات اجتماعی است. ولی اگر بین "واقعیت" و "دانش واقعیت" نزاع وجود باشد، دانش باید وابسته به متن باشد [۷]. استدلال دیدگاه ساختارگرایی اجتماعی این است که علم اولین و مهمترین

۱- مفاهیم اخلاقی غلیظ دارای در هم تنیدگی واقعیت و ارزش هستند. در نتیجه قلمرو ارزش‌ها همانند قلمرو واقعیت‌ها قابلیت تحقق دارند. مفاهیم اخلاقی غلیظ شامل واژه‌هایی از قبیل سخاوت، زیبایی، مهارت، قوی، ضعیف یا مبتذل می‌باشند. در مقابل این موضوع مفاهیم اخلاقی رقیق وجود دارند که شامل خوبی، بدی، باپدا، درست و غلط-ها، گناه و پرهیزگاری می‌باشند.

علیرغم وابستگی اثبات گرایی و بدون توجه به اینکه فرد چطور با جدیت گرایش‌های هنجاری را از تحقیقات کمی حذف می‌کند، نظریه‌ی مالی الزاماً نقش اجتماعی - سیاسی را ایفا می‌کنند [۲۳].

در حقیقت نسل فارغ التحصیلان اقتصاد و بازرگانی، روش‌ها و مفاهیم مالی آکادمیک را درونی ساخته اند و با توجه به محتوای ریاضی، این روش‌ها و مفاهیم تمایل دارند که به عنوان ابزارهای محض از سوی اساتید و دانشجویان مالی در نظر گرفته شوند. با این حال، آنها صرفاً واقعیت اجتماعی را به شیوه‌ی عاری از ارزش نشان نمی‌دهند بلکه زبانی را ایجاد می‌کنند که مقوله‌های تفکر بکار رفته توسط محققان مالی را نشان می‌دهد. از این رو مالی آکادمیک می‌تواند به صورت یک پیشگویی منحصر بفرد در نظر گرفته شود.<sup>۲</sup>

مطالعات جامعه شناختی نشان داده اند که مالی آکادمیک چارچوب شناختی را در مدیران تعبیه نموده که سبب کاهش پیچیدگی‌های مدیریتی، اقتصادی و موضوعات اخلاقی به مجموعه‌ای از روابط جبری و ارتباط بین این مفاهیم شده است. در حقیقت قرار گرفتن در معرض تئوری‌های مالی، عقلانیت مدیران را از تجزیه و تحلیل مسائل پیچیده پیش روی سازمانها به سمت حداکثر سازی شاخص‌های مالی تغییر داده است [۱۴]. با این ساخت، مالی آکادمیک تضادهای منافع را نادیده گرفت و بنابراین در ثبات و تعادل قدرت به نفع سرمایه داران و به ضرر سایر ذینفعان شرکت (از قبیل دولت، مالکان و نسل‌های آینده) مساعدت‌هایی را ابراز نمود. در نتیجه تئوری‌های مالی از طریق موارد ذیل تاثیر خود را بر اقتصاد اعمال نموده است. (i) مشروعیت بخشی به تصمیمات خود خواهانه مدیران شرکت‌ها (ii) بی اعتبار کردن نمایندگان شرکت (iii) از طریق مشروعیت بخشی به تصمیمات سیاسی همسو با گزارشات و منافع بازارهای مالی [۲۲].

#### ۴- تنوع بخشی: وظیفه‌ی ای پیش رو

با این ساخت، وابستگی پوزیتیویستی کارکردگرای مالی آکادمیک؛ ارزش‌های فردی، اخلاقیات و نیت رفتاری را از پرسش‌های تحقیق مستثنی می‌کند. محدودیت آشکار این رویکرد تک بعدی ما را به اذعان اینکه مالی آکادمیک می‌تواند از ترکیب پارادایم‌های دیگر بدست آید، ترغیب نماید [۱۲].

به منظور شفاف سازی مفاهیم ضمنی مالی آکادمیک، نیاز به بررسی محتوای معرفت شناختی مشاجرات در تحقیقات مالی داریم. همان طور که در شکل ۲ نشان داده شده است، هر گفتمان علمی دارای ۳ سطح تو در تو می‌باشد: پارادایم، استعاره‌ها و حل مساله [۲۶].

• یک پارادایم چشم اندازی از جهان است که توسط مجموعه‌ای از فرضیات متا تئوریک حاکم بر هنجارها و قواعد تحقیقات علمی تعیین می‌شود. این چشم انداز توسط محققان در طول آموزش شان

۳- کاربرد تئوری مالی به وسیله دانشجویان، سابقا هستی شناسی عینیت گرای مالی آکادمیک را تأیید می‌نماید: ضرائب رگرسیون با علامت مورد انتظار و سطح معناداری

منظر، توسعه مالی آکادمیک می‌تواند به صورت جنبش دوگانه ساخت واقعیت سازمانی و عقلانیت به نفع سهامداران و بازیگران مالی تفسیر شود، در حالی که فرآیند ساخت و ساز را پشت پرده بی طرفی علمی پنهان می‌کند.<sup>۱</sup> از این رو مالی آکادمیک با کنترل کردن ارتباطات اجتماعی در خط مشی‌ها و سطوح سازمانی یک نقش ساختاری پنهان را ایفا می‌نماید.

#### ۳-۳ کاربرد پذیری مالی آکادمیک

همان طور که [۱۷] خاطر نشان کرد، تفاوت‌های اساسی بین علوم اجتماعی و علوم طبیعی وجود دارند. در علوم طبیعی، رفتار شیء یا پدیده مورد مطالعه مستقل از نظریه، مورد بررسی قرار می‌گیرد (به عنوان مثال، در مورد ستاره شناسی، یک شهاب سنگ، مسیرش را بدون توجه به اعتبار نظریه‌ی خاص ارائه می‌دهد). هرچند، این تفکیک برای علوم اجتماعی درست از آب در نمی‌آید. این شاخه از مطالعه به روابط متقابل بین انسان‌ها متمرکز شده است. این روابط متقابل به نوبه خود از طریق چهارچوب‌های مفهومی مشترک تعیین می‌شوند که خیلی از خروجی‌های علوم اجتماعی را تشکیل می‌دهند [۵].

این مشاهده به ویژه در مورد مالی آکادمیک که ریشه‌های فکری خود را از حسابداری (مانند یک تکنیک حرفه‌ای) و اقتصاد خرد نئوکلاسیکی (مانند شاخه‌ی نظری اقتصاد) نشأت می‌گیرد، مناسب می‌باشد. مالی یک رشته مبهمی است که درصدد تحلیل هم زمان عملکردهای بازار مالی و هدایت تصمیمات بازیگران بازار است. مالی آکادمیک در حقیقت دو هدف مجزا و تلفیقی دارد [۲۵]:

• هدف هنجاری کلان که درصدد درک این مسئله است که قیمت‌های دارایی چطور در دنیای فرضی از طریق عقلانیت کامل شکل می‌گیرند. این رویکرد بیشتر بیانگر بخش اقتصادی مالی آکادمیک سنتی می‌باشد.

• هدف هنجاری خرد که درصدد است شیوه‌هایی را بررسی کند که در آن عامل اقتصادی می‌تواند تابع مطلوبیت خود را در بازار به حداکثر برساند، بدون اینکه به مکانیسم تشکیل قیمت دارایی توجه کنند. این رویکرد نیز بیشتر معرف بخش تجاری مالی آکادمیک سنتی می‌باشد.<sup>۲</sup>

به عبارت دیگر، نظریه‌ی مالی نه تنها منعکس کننده عملکردهای اقتصادی است، بلکه در شکل گیری آنها نیز نقش موثری دارد. در نتیجه، هستی شناسی عینیت گرای مالی آکادمیک با این هدف هنجاری خرد از نظم و انطباق در تضاد است. به این ترتیب به تناقض زیر منجر می‌شود:

۱ - به عنوان مثال، این فرآیند می‌تواند به شکل بازنمایی یک پدیده (مانند ارزشگذاری شرکت‌ها در بازار سهام) به عنوان یک فرآیند طبیعی، اجتماعی در نظر گرفته شود، در حالی که محصول رابطه اجتماعی است. یا برای نشان دادن یک تصمیم (مانند کم کاری کارگران برای افزایش سود پرداختی) به عنوان هم آهنگی بکار رود در حالیکه منبع تعارضات فرعی است.

۲ - این دو رویکرد متقابلاً یکدیگر را در طی زمان غنی ساخته و تحقیقات معاصر در مالی از هر دو رویکرد سنتی به عاریت گرفته شده است.

## ۵- استراتژی و سوالات تحقیق نوید بخش

### ۵-۱ استراتژی

گونگونی تحقیقات مالی، پروژه بلند مدتی است که مستلزم تحقق یافتن حداقل دو شرط الزامی زیر است:

- در ابتدا، مفاهیم ارزش و اصول اخلاقی باید آزادانه بررسی شوند و محققان نباید در اتخاذ موضع اخلاقی تردید کنند. این بحث و بررسی‌ها، که خارج از حوزه پارادایم اثبات گرایی قرار می‌گیرند، زمانی الزامی می‌شوند که شخص، نتایج مفاهیم اخلاقی غلیظ، هستی‌شناسی اجتماعی و کاربرد پذیری تئوری‌های مالی را در نظر می‌گیرد. با توجه به تقاضای فعلی برای پایداری، پیشنهاد می‌شود که محققان به عنوان فرضیه‌ای در تحقیق‌شان، انسانیت را به منزله تنها ارزش مطلق در نظر داشته باشند [۱۱].

به عبارت دیگر، وجود پول، سود، بازارها و موسسات مالی فقط می‌توانند از طریق مشارکت‌شان با ارزش انسانی توجیه شوند - نه شیوه‌های دیگر؛

- دوم اینکه، از نقطه نظر روش‌شناختی، محققان باید در مورد هنجاری خرد و کلان‌کارشان صریح و رک باشند و نتایج هستی‌شناسی این انتخاب را بدست آورند. در حالی که هستی‌شناسی عینیت‌گرا برای مطالعه بازارها و پویایی بانکداری از دیدگاه سیاست مناسب است. (برای مثال، توسعه درک ما از آسیب‌پذیری بحران)؛ کار هنجاری خرد در مالی باید براساس مفهومی باشد که دنیای مالی بتواند به صورت یک راه فرعی بین چندین ذهنیت فردی با پارادایم‌های تفسیر گرایی و انسان گرایی بنیادین که در شکل ۱ نشان داده شده است، در نظر گرفته شود.

## ۶- سوالات تحقیقی نوید بخش

با توجه به موارد فوق، یک پروژه تحقیقاتی مرتبط، بررسی مجموعه‌ای از فرآیندهای اجتماعی، رفتاری، تاریخی و فرآیندهای سازمانی است که توانایی سیستم مالی را در انتقال رفاه در چشم انداز تطبیقی تعیین می‌کند. این پروژه‌ی فراگیر از طریق بررسی تمام زمینه‌های تحقیق به تنوع بخشی در مالی آکادمیک کمک خواهد نمود.

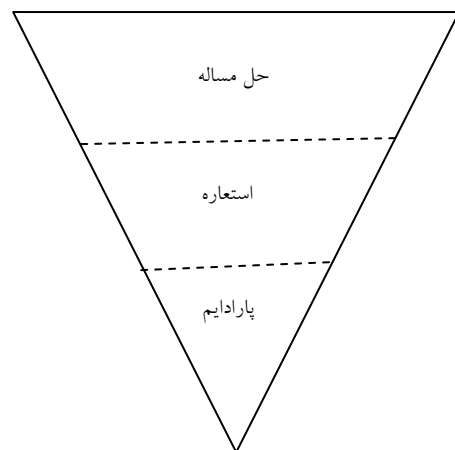
- از دیدگاه هنجاری کلان، پژوهش از طریق غنی سازی سوالات تحقیقی فعلی با استعاره‌های تحقیقی جدید و بررسی ورودی‌های سایر علوم اجتماعی (مانند تاریخ، جغرافیا و علوم سیاسی) به تنوع بخشی مالی کمک خواهند نمود.

برای مثال، مفهوم مالی سازی در طیف گسترده علوم اجتماعی به صورت شبکه‌ی جدیدی برای تجزیه و تحلیل پیچیدگی چند بعدی جامعه و اقتصاد مطرح شده است. مالی‌سازی که توسط اقتصاددان‌ها، جغرافیدانان، جامعه‌شناسان، مورخان، محققان سیاسی و متخصصان مدیریت استفاده شده است به افزایش سلطه بازیگران مالی، بازارها، عملکردها، ارزیابی‌ها و گزارشات در مقیاس‌های مختلف اشاره دارد منجر به تحول ساختاری اقتصاد، شرکت‌ها (موسسات مالی)، دولت‌ها و مالکان منجر می‌شود [۸]. در نتیجه مالی سازی، نقطه‌ی تلاقی برای دانشمندان انتقادی ارائه

درونی می‌شود و زمینه عامی را برای بحث‌های علمی ارائه می‌کند.

- استعاره‌ها به استفاده از تصاویر ذهنی برای مطالعه یک موضوع در پارادایمی مشخص اشاره دارند. مثال‌های مربوط به استعاره‌های مالی شامل عباراتی مانند "کارایی"، "سیگنال" یا "صرف ریسک" می‌باشند. با ایجاد ساختار زبان تحقیقی، استعاره‌ها، موقعیت محقق را در واقعیت اجتماعی تعیین می‌کنند و تحقیقات تجربی را به سمت تحلیل شباهت‌ها بین موضوع مورد مطالعه و زبان مشترک سوق می‌دهند. در تاریخچه‌ی یک رشته، استعاره‌های جدید می‌توانند شکل بگیرند که هم زیستی داشته باشند و در نهایت جایگزین موارد قدیمی شوند!

- در سطح حل مساله، محققان، به بررسی، عملیاتی سازی و سنجش جزئیات مفاهیم ضمنی بینش استعاره‌ای که بر اساس آن، تحقیق به طور ضمنی یا صریح شکل می‌گیرد، می‌پردازند. این بحث‌ها به شناسایی و اجرای درست ابزارهای روش‌شناختی مناسبی می‌پردازند که برای بررسی سوالات تحقیقاتی خاص مورد نیاز است. مباحثات در مالی عمدتاً در ارتباط با حذف علیت‌های ساختگی در نتایج تحقیق می‌باشند. مثال‌های متداول شامل ارزیابی تأثیر سوگیرهای بیرونی، بررسی قوام برآوردگر انتخاب شده، تشخیص نقص‌های ساختاری در داده و ارزیابی تأثیر آنها بر پارامترهای مدل می‌باشند. حل مساله بخش عظیمی از موضوعات تحقیقی مالی را به خود اختصاص می‌دهد. این تحلیل به ما اجازه می‌دهد که تنوع بخشی به مالی آکادمیک را به عنوان یک فرآیند از طریق (i) بسط تحقیقات مالی به سایر پارادایم‌های موجود در علوم اجتماعی، (ii) تدوین استعاره تحقیقاتی جدید درون پارادایم فعلی و (iii) بدست آمدن قدرت حل مساله، مشخص نمائیم.



شکل (۲): ساختار گفتمان علمی

۱ - جایزه نوبل اقتصاد در سال ۲۰۱۳ به دلیل ساخت استعاره‌ی همزیستی در مالی به صورت مشترک به رابرت شیلر و یوجین فاما تخصیص داده شد.

یک معیار بیرونی ارزیابی می‌شود، در می‌آید (بازده تعادلی). چنین اعتیادی باعث مهار پتانسیل‌های خلاق پس انداز می‌شود. در نتیجه، این سوال در صدد تعیین این است که آیا شکل‌گیری طرح‌های مالی جدید به کاهش این وابستگی دو طرفه کمک می‌کنند یا خیر.

سوالات تحقیقاتی مرتبط شامل موارد ذیل هستند:

۱. وضعیت هستی‌شناسی پول چیست؟ آیا پول یک کالای مشترک است؟ تأثیر ارزش زمانی پول بر پایداری چیست؟
۲. آیا می‌توان بین مالی جایگزین می‌تواند با فایده‌گرایی منطقی نوعی سازگاری ایجاد نمود؟ آیا ما می‌توانیم بحث و بررسی‌های هستی‌شناسی اجتماعی را با بحث در مورد مالی پایدار مرتبط کنیم؟
۳. آیا مالی جایگزین در شکل‌گیری مدل‌های پایدار سازمان در سراسر جهان نقشی دارد؟ در مورد تعریف مجدد ابزارهای مدیریتی و مفهوم "ارزش" چگونه؟
۴. نرخ‌های عملکرد، عدم پرداخت و بازیابی مرتبط با سرمایه‌گذاری اجتماعی کدامند؟ وضعیت جغرافیای جهانی صنعت سرمایه‌گذاری اجتماعی به چه صورت است؟

## ۷- نتیجه‌گیری

این مقاله، بازتاب‌های معرفت‌شناختی و راهبردی را برای تنوع بخشی مالی آکادمیک با در نظر گرفتن تناقضات بین تقاضای فعلی برای پایداری و ساختار پارادایم متداول مالی را مشخص کرده است. به ویژه، نشان داده شده است که فرضیه‌های هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی و روش‌شناسی مالی مدرن - هرچند به نظر می‌رسد از سوی اکثر محققان مالی به صورت نرمال و درونی شده درآمده است - خارج از زمینه‌ی مالی بحث انگیز مانده است، همان‌طور که از طریق بحث‌های موجود و با توجه به ماهیت تلفیقی واقعیت‌ها و ارزش‌ها، هستی‌شناسی اجتماعی و کاربردپذیری نشان داده شده است. سپس، تنوع بخشی به عنوان یک هدف بلند مدت در تحقیقات مالی مورد بررسی قرار گرفته است. با استفاده از ساختار معرفت‌شناختی تثبیت شده گفتمان علمی به عنوان نقطه‌ی مرجع، تنوع بخشی به عنوان فرآیندی که از طریق آن، (i) تحقیقات مالی به سایر پارادایم‌های موجود در علوم اجتماعی بسط داده می‌شوند؛ (ii) استعاره‌های تحقیقی جدید درون پارادایم موجود تدوین می‌شوند؛ و (iii) قدرت حل مساله حاصل می‌شود، مشخص شده است. با توجه به مفاهیم ضمنی کوتاه مدت، پیشنهاد می‌شود که با بررسی مجموعه‌ای از فرآیندهای اجتماعی، رفتاری، تاریخی و نهادی که توانایی سیستم‌های مالی را برای ارائه رفاه در چشم انداز تطبیقی تعیین می‌کنند، پروژه تحقیقاتی مرتبطی از منظر تنوع بخشی مالی ایجاد می‌شود. در نهایت، مجموعه سوالات تحقیقی متناسبی مشخص شده و مفاهیم ضمنی پارادایمی آنها مورد بررسی گرفته‌اند. امید می‌رود که کارهای آتی، این برنامه‌ی تحقیقاتی جدید را تکمیل خواهند نمود.

## ۸- منابع و ماخذ

[۱] ابراهیم پور، حبیب، (۱۳۸۵)، مبانی فلسفی تئوریهای سازمان و مدیریت با

می‌دهد و گفتگوی بین رشته‌ای پویا را ایجاد می‌کند. هرچند، این تلاقی به بهای بی‌دقتی بدست آمده است: با توجه به پیچیدگی، جدید بودن و ماهیت بین رشته‌ای، می‌توان گفت که مالی سازی هنوز هم یک علت<sup>۱</sup> (چیزی که توضیح می‌دهد) و هم یک معلول<sup>۲</sup> (چیزی که باید توضیح داده شود) است. [۸]. این چالش برای تحقیقات مالی سازی تجربی وجود دارد، بنابراین برای عملیاتی سازی یک جنب محدود از این پدیده و برای ارتباط آن با سوالات کلیدی اقتصادی-اجتماعی، به نظر می‌رسد ظهور استعاره‌های جدید در تحقیقات مالی کمک رسان باشد.

سوالات تحقیقاتی مرتبط شامل موارد زیر هستند:

۱. چه شاخص‌هایی باید برای ارزیابی جنبه‌های متفاوت مالی سازی استفاده شوند؟ آنها چگونه به ما در مورد ابعاد متفاوت زمانی و مقطعی مالی سازی آگاهی می‌دهند؟
۲. چه ارتباطی بین مالی سازی، رفتار اقتصادی شرکت‌ها، سهامداران، بانک‌ها، مالکان، دولت‌ها و رفاه وجود دارد؟ با توجه به اعتبار نظریه‌های اقتصادی رقابتی چه نتایجی را می‌توان بدست آورد؟
۳. چه ارتباطی بین مالی سازی و تغییرات ناگهانی تکنولوژیکی، قانونی و جغرافیایی سیستم‌های مالی بین المللی وجود دارند؟ آیا مالی سازی می‌تواند به صورت یک نقض ساختاری در سیستم‌های اقتصادی در نظر گرفته شود؟
۴. آیا نمونه‌های قبلی از مالی سازی در تاریخچه اقتصادی و تجاری وجود دارد؟ اگر این طور است، از این تجارب چه چیزهایی می‌توان آموخت؟

• از دیدگاه خرد هنجاری، این تحقیق به تنوع بخشی مالی از طریق تمرکز بر اقدامات جدید مالی بر اساس بیان ارزش‌ها (به عنوان مثال، بانکداری اخلاقی، اعتبارهای خرد، تجارت و کسب و کار اجتماعی و تبادلات اجتماعی سهام، ارزش‌های جایگزین ...) کمک خواهد نمود. مدل تجاری این موسسات در حقیقت بنظر می‌رسد با فرضیه‌های مالی مدرن که عقلانیت کامل و خودخواهی را ایجاد می‌کند، ناسازگار باشد. بنابراین اتخاذ مالی جایگزین به عنوان موضوع تحقیق، با توجه به وضعیت هستی‌شناسی پول، مالی، کارآفرینی و سازمان‌ها انبوهی از سوالات مطرح را می‌کند.

این تحقیقات باید در زمینه هستی‌شناسی ذهنیت‌گرا باشند، به عبارت دیگر براساس پارادایم‌های تفسیری و انسان‌گرایی بنیادین باشند. این تحقیقات سعی دارند بدانند که چگونه مالی جایگزین تحت تأثیر رفاه دریافت کنندگان، سرمایه‌گذاران و ذینفعان بیرونی قرار می‌گیرد. نقطه‌ی شروع می‌تواند تعریف [۱۱] از وابستگی دوجانبه در مورد سرمایه باشد. برای سایر افراد مانند کارآفرینان که سرمایه دار نیستند، وابستگی به شکل محدودیت‌های مادی و واگذاری اهداف تعیین شده به دارندگان سرمایه می‌باشد: افراد مذکور زمانی که باید منافع دیگران را تأمین کنند، با آزادی محدودی مواجه می‌شوند. برای سرمایه‌داران (سرمایه‌گذاران)، وابستگی به شکل یک اعتیاد روانشناختی به رشد سرمایه که بر اساس

1- Explanans  
2- Explanandum

- [24] Lagoarde-Segot, T. (2010), **After the crisis: Rethinking finance**, USA: Nova Science.
- [25] Lagoarde-Segot, T., (2014), **La finance solidaire, UN humanisme économique**. Brussels: De Boeck (2014).
- [26] Merton, R.C. (1995), **Influence of mathematical models in finance on practice: Past, present and future**, Financial Practice and Education, 5, 7-15.
- [27] Morgan, G., (1980), **Paradigm, metaphors, and puzzle solving in organization theory**, Administrative Science Quarterly, 25, 605-622.
- [28] Putnam, H., (2002), **The collapse of the fact/value dichotomy and other essays**, Harvard University Press.
- [29] Robbins, L., (1935), **An essay on the nature and significance of economic science**, (2nd Ed.), London: MacMillan.
- [30] Stein, M., (2011), **A culture of mania: A psychoanalytic view of the incubation of the 2008 credit crisis**, Organization, 18, 173-186.
- رویکرد کارکردگرایی و ساختارگرایی، فرهنگ مدیریت، سال چهارم، شماره ۱۳، صفحات ۸۳-۱۱۳.
- [۲] پور عزت، علی اصغر؛ هاشمیان، سید محمد حسین، (۱۳۸۶)، **استعاره راه: معرفت شناسی صدرائی و تبیین هستی شناختی سازمان**، پژوهشنامه فلسفه دین (نامه حکمت)، دوره ۵، شماره ۲، صفحه ۱۴۹-۱۶۸.
- [۳] دانایی فر، حسن، (۱۳۸۶)، **پارادایم‌های رقیب در علم سازمان و مدیریت: رویکرد تطبیقی به هستی شناسی، شناخت شناسی و روش شناسی، نشریه دانشور رفتار**، دوره ۱۴، شماره ۲۶، صفحه ۸۹-۱۰۴.
- [۴] دانایی فر، حسن؛ نوری، علی، (۱۳۹۰)، **گفتمانی بر تحلیل گفتمان در مطالعات سازمانی: تاملی بر مبانی نظری و اسلوب اجرا**، نشریه روش شناسی علوم انسانی، دوره ۱۷، شماره ۹، صفحات ۶۱-۸۲.
- [۵] گائینی، ابوالفضل؛ حسین زاده، امیر، (۱۳۹۱)، **پارادایم‌های سه گانه اثبات گرایی، تفسیری و هرمنوتیک در مطالعات مدیریت و سازمان**، راهبرد فرهنگ، دوره ۵، شماره ۱۹، صفحه ۱۰۳-۱۳۸.
- [۶] میرزائی اهرنجان، حسن؛ سرلک، محمد علی، (۱۳۸۴)، **نگاهی معرفت شناسی سازمانی: سیر تحول، مکاتب و کاربردهای مدیریت**، نشریه پیک نور؛ دوره ۳، شماره ۳ (ویژه مدیریت).
- [۷] دانایی فر، حسن؛ نوری، علی، (۱۳۹۰)، **گفتمانی بر تحلیل گفتمان در مطالعات سازمانی: تاملی بر مبانی نظری و اسلوب اجرا**، نشریه روش شناسی علوم انسانی، دوره ۱۷، شماره ۹، صفحات ۶۱-۸۲.
- [۸] نوذری، حسینعلی؛ شیخرا، کاظم، (۱۳۸۹)، **روش شناسی و معرفت شناسی در دریافت پست مدرن**، نشریه علوم سیاسی، شماره ۱۲، صفحه ۳۳-۵۵.
- [9] Aalbers, M.B., et al., (2015), **Corporate financialization**, In N. Castree (Ed.), *People, the earth, environment, and technology*. Oxford: Wiley.
- [10] Adler, P.S., Forbes, L.C., & Willmott, H., (2007), **Critical management studies**, The Academy of Management Annals, 1.
- [11] Ardalan, K., (2008), **On the role of paradigms in finance**. Alternative voices in contemporary economics. Ashgate.
- [12] Benedikter, R., (2011), **Social Banking and Finance**, Answers to the Economic Crisis. Springer briefs in business. Springer.
- [13] Bettner, M.S., Robinson, C., & McGoun, E., (1994), **The case for qualitative research in finance**, International Review of Financial Analysis, 3, 1-18.
- [14] Bhaskar, R., (1978), **A realist theory of science**, (2nd Ed.). Hassocks, arvester Press.
- [15] Boussard, V., (2013), **Qui crée la création de valeur? La nouvelle revue du travail 3 [Online]**. URL: <http://nrt.revues.org/1020>
- [16] Burrell, G., & Morgan, G., (1979), **Sociological paradigms and organizational analysis**, Aldershot: Gower Publishing Company Limited.
- [17] Carnap, R., (1966), **Philosophical foundations of physics**, Basic Books Inc.
- [18] De Scheemaekere, X., (2009), **The epistemology of modern finance**, The Journal of Philosophical Economics II, 2, 99-120.
- [19] Epstein, G., (2005), **Introduction: Financialization and the world economy**, In G. Epstein (Ed.), *Financialization and the world economy* (pp. 1-16), Cheltenham: Edward Elgar Publishers.
- [20] Epstein, G., & Hubbard, P., (2011), **Dette souveraine ET spéculation: une interaction insidieuse**, Document de travail ITUC General Council.
- [21] Faugère, C., (2014), **Ruthless compassion in banking and finance**, Research in International Business and Finance, 32, 106-121.
- [22] Ghasarian, C., (1998), **A propos des épistémologies postmodernes**, Ethnologie Française, 28, 563-577.
- [23] Ghoshal, S., (2005), **Bad management theories are destroying good management practices**, Academy of Management Learning and Education, 4, 75-91.